

دکتر رابرت یاربرو، رساله‌های شبانی، جلسه ۷ اول تیموتائوس ۶

رابرت یاربرو و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو در تدریس خود در مورد رساله‌های شبانی، دستورالعمل رسولی برای رهبران شبانی و پیروان آنها، جلسه ۷، اول تیموتائوس ۶ است.

ما به مطالعه‌ی رساله‌های شبانی ادامه می‌دهیم و عنوان مطالعه‌ی ما «رساله‌های شبانی، دستورالعمل رسولی برای رهبران شبانی و پیروان آنها» است. و در این بخش از سخنرانی‌هایمان، به رساله‌ی اول تیموتائوس می‌پردازیم و مقدمه‌ی رساله‌ی اول تیموتائوس و پنج فصل اول آن را بررسی کرده‌ایم.

و در این بخش، می‌خواهیم بررسی خود را بر رساله اول تیموتائوس به پایان برسانیم. وقتی به فصل ششم نگاه می‌کنیم و به عقب برمی‌گردیم، کاملاً آگاه هستیم که چقدر از مطالب را از قلم انداخته‌ایم، چقدر گذر ما از رساله اول تیموتائوس سطحی است. در هر بخش از کلام خدا، مطالب بسیار بیشتری وجود دارد که شما نمی‌توانید با موعظه یا سخنرانی در مورد آن، آنها را به طور کامل مطالعه کنید.

و من حدس می‌زنم این چیز خوبی است. این به کمال و غنای خود خدا اشاره می‌کند. اما ما در زمانی که برای تمام کردن فصل ششم داریم، هر کاری از دستان بریاید انجام خواهیم داد و سپس اگر وقت اجازه دهد، نگاهی به عقب می‌اندازیم و کتاب اول تیموتائوس را کمی مرور می‌کنیم.

اول تیموتائوس ۶ با این کلمات شروع می‌شود، همه کسانی که زیر یوغ بردگی هستند باید اربابان خود را شایسته احترام کامل بدانند تا نام خدا و تعالیم ما مورد تهمت قرار نگیرد. حال می‌خواهم به یاد داشته باشید که با بازگشت به ابتدای فصل پنجم اول تیموتائوس، ما با زیرگروه‌های مردم سروکار داریم. ما با مردان مسن و زنان مسن و مردان جوان و زنان جوان سروکار داریم.

ما با بیوه‌ها سر و کار داریم. ما با بزرگان کلیسا سر و کار داریم. این فقط ترکیبی از دستورالعمل‌های عملی برای تیموتائوس است که چگونه باید با جمعیت‌های مختلف حاضر در کلیسا برخورد کند.

به یاد داشته باشید که تقسیم‌بندی فصل‌ها تا بیش از هزار سال پس از نگارش کتاب مقدس در آن گنجانده نشده بود. بنابراین گاهی اوقات تقسیم‌بندی فصل‌ها مانع از درک جریان گفتمان می‌شود. و جریان گفتمان در اینجا به فصل پنجم برمی‌گردد.

فصل ششم مانند موضوع جدیدی نیست که پولس شروع می‌کند. این فصل با آنچه او در مورد آن صحبت می‌کرد، در مورد چگونگی متحول کردن روابط اجتماعی در کلیسا توسط انجیل و روابط مختلف مردم و مسئولیتی که کلیسا در قبال افراد مختلف در اجتماعات دارد، مرتبط است. اما در اینجا ما با کسانی در کلیسا سر و کار داریم که او آنها را زیر یوغ بردگی می‌نامد.

آیه دوم، کسانی که اربابان مؤمنی دارند، زیرا اگر برده‌هایی در کلیسا باشند، احتمالاً آنها نیز اربابانی در کلیسا هستند. او هر دو را خطاب قرار می‌دهد و نباید صرفاً به این دلیل که آنها مؤمن هستند، به آنها بی‌احترامی کند. در عوض، آنها باید حتی بهتر به آنها خدمت کنند زیرا اربابانشان به عنوان مؤمن برایشان عزیز هستند و به رفاه بردگان خود اختصاص دارند.

اینها چیزهایی هستند که شما باید آموزش دهید و بر آنها اصرار کنید. در اینجا به یاد داشته باشید که قسمت زرد رنگ اشاره به الوهیت، اشاره به خدا دارد، و قسمت قرمز اشاره به فرامین و دستوراتی است که به ما یادآوری می‌کند که چگونه تیموتائوس یا چگونه ما خوانندگان، همانطور که این را می‌خوانیم، باید به آنها یادآوری کنیم، این کلمات برای هدایت زندگی عملی هستند. آنها برای به کارگیری و به کار بستن در نظر گرفته شده‌اند.

آن را در متن جدا می‌کند زیرا نوعی آیه انتقالی NIV سطر آخر جدا شده است، و این نحوه‌ای است که است. من فکر می‌کنم به تمام چیزهایی که او در فصل پنجم گفته است، نگاه می‌کند، اما من دوباره آن را در زیر فهرست می‌کنم زیرا فکر می‌کنم عنوانی برای آنچه در ادامه می‌آید نیز هست. نکته اصلی که باید در اینجا مطرح شود مربوط به نکته مبهم آشکار در این بخش از رساله اول تیموتائوس است، و آن مسئله برده‌داری است.

و می‌خواهم بگویم که پولس با پرداختن به این موضوع، برده‌داری را بیش از مثلاً عیسی در متی ۹ تأیید نمی‌کند. پولس در متی ۹ وقتی به طلاق می‌پردازد، می‌گوید که طلاق را تأیید نمی‌کند. او با واقعیت جهانی که در آن آمده است و رنج‌های آن با اعطای این امتیاز از سوی خدا به قومش کاهش یافته است، سر و کار دارد. او گفت، بسیار خوب، به دلیل سنگدلی شما، این دستورالعمل‌ها را در مورد طلاق به شما می‌دهم.

همانطور که در متن اشاره کردم، برده‌داری یک واقعیت اجتماعی فراگیر در جهان باستان بود. در سراسر جهان، هم فاتحان و هم مغلوبان وجود داشتند، و هر کسی که می‌توانست برده داشته باشد، برده داشت. این موضوع آن را درست نمی‌کند.

اما برده‌داری چیزی نیست که بخشی از جهان خلقت خدا بوده باشد. او جهان را نیافرید و برده‌داری را خلق نکرد و بعد نگفت، خب، خیلی خوب است. برده‌داری چیزی است که پس از سقوط انسان وارد جهان شد.

و اگرچه کلیسا در طول قرن‌ها، به ویژه در آمریکای شمالی، در برده‌داری نقش داشته است، و این غم‌انگیز بود، اما تنها در مسیحیت است که کلیسا باعث ظهور اراده اجتماعی و سیاسی برای پایان دادن به برده‌داری شده است. به طور کلی توسط محققان جهان روم توافق شده است که ظهور جامعه مسیحی بود که به تدریج به برده‌داری در امپراتوری روم پایان داد. و مطمئناً، در دنیای مدرن، با شروع از ویلیام ویلبرفورس و پارلمان بریتانیا، زمانی که بریتانیا بر دریاها حکومت می‌کرد و قدرت استعماری اصلی در جهان بود، این امپراتوری بریتانیا بود که شروع به برچیدن برده‌داری کرد.

بود که به ظهور جنگ داخلی کمک کرد. بزرگترین تلفات جانی در تاریخ نظامی آمریکا، جنگی بود که درگرفت و مردم به دلایل مختلفی این را خواهند گفت، اما مطمئناً یکی از مسائل اصلی و یکی از تأثیرات عمده آن مربوط به لغو برده‌داری بود. و توجه به نژادها همچنان در سراسر جهان یک مشکل است.

این مختص هیچ کشور خاصی نیست، و هر کجای دنیا که بروید، خواهید دید که جمعیت‌هایی با یکدیگر، در جنگ هستند. ما در انگلیسی آمریکایی می‌گوییم، آنها از دل و روده یکدیگر متنفرند. و من این را شنیده‌ام، این فقط یکی از ویژگی‌های سفرهای بین‌المللی است، شما به آنجا سفر می‌کنید و با مردم آشنا می‌شوید، متوجه می‌شوید که دشمنان قدیمی چه کسانی هستند.

بنابراین، من سعی ندارم ایالات متحده را تبرئه کنم چون سابقه برده‌داری دارد، اما برده‌داری را لغو کرد، و اگر به اطراف نگاه کنید، به اینترنت بروید، بررسی کنید، متوجه خواهید شد که در حال حاضر بین ۴۰ تا ۶۰ میلیون برده وجود دارد. و هیچ یک از اینها تأثیر کلیسا نیست. این تأثیر ادیان دیگر است، این تأثیر سایر نقاط جهان خارج از غرب به اصطلاح مسیحی است، جایی که برده‌داری به مراتب شایع‌تر است.

می‌خواهم توجه شما را به بخشی از ضمیمه‌ای در تفسیری بر کولسیان و فیلمون نوشته‌ی جی. کی. بیل جلب کنم و در اینجا از او نقل قول می‌کنم. مقایسه‌ی برده‌داری یونانی-رومی قرن اول با برده‌داری جنوب قدیم قرن نوزدهم در ایالات متحده مهم است. و او در اینجا در فرهنگ لغت کتاب مقدس انکر به اثری از اسکات بارچی استناد می‌کند، یا به اثری از او استناد می‌کند. اسکات بارچی کارهای زیادی در مورد نهاد برده‌داری در جهان روم انجام داده است. بنابراین، چند نکته

اولاً، برده‌داری در میان بخش بسیار وسیع‌تری از جمعیت جهان روم بسیار رایج‌تر بود. ثانیاً، فرهنگ و اقتصاد به برده‌داری وابسته شد. اگر برده‌داری لغو می‌شد، ناگهان در جهان روم قحطی گسترده‌ای رخ می‌داد.

زیرا آنچه موتور احتراق داخلی برای دنیای مدرن است، یا آنچه زنجیره تأمین برای دنیای مدرن است برده‌داری در دنیای باستان بود. اینگونه بود که بسیاری از کارهایی که مردم، همه برای امرار معاش روزانه خود به آنها وابسته بودند، انجام می‌شد. سوم اینکه، برده‌داری در دنیای یونانی-رومی محدود به یک نژاد قومی نبود.

چهارم، اکثر بردگان، به جز آنهایی که به دلیل جرم و جنایت به بردگی گرفته می‌شدند، معمولاً در سنین نسبتاً جوانی، معمولاً حدود ۳۰ سالگی، آزاد می‌شدند. اگر برده بودید، فرصتی برای رهایی داشتید. این امر به انگیزه‌ای برای کار بردگان وفادار تبدیل شد، زیرا چنین کاری در نهایت با رهایی پاداش داده می‌شد.

پنجم، شرایط یک فرد در بردگی اغلب بهتر از شرایط کسانی بود که از بردگی آزاد می‌شدند. ششم، تعداد زیادی از مردم اغلب برای بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی خود، که گاهی اوقات شامل پرداخت بدهی‌هایشان نیز می‌شد، داوطلبانه به بردگی روی می‌آوردند. هفتم، آموزش تشویق می‌شد و بردگان وظایف مهم اجتماعی و سیاسی را انجام می‌دادند.

هشتم، بردگان می‌توانستند صاحب اموال باشند و می‌توانستند برده‌های دیگری را نیز در اختیار داشته باشند. و نهم، اجتماع عمومی بردگان، آنطور که در جنوب آمریکا بود، طبق قانون ممنوع نبود. بنابراین، باز هم این به آن معنا نیست که برده‌داری توسط خدا مقرر شده بود، یا اینکه کتاب مقدس برده‌داری را تأیید می‌کند، اما همانطور که یک محقق مسن‌تر که اکنون نزد خداوند است، اف. اف. بروس، در پایان کتاب خود درباره پولس، با عنوان پولس رسول قلب آزاد شده، گفت، عمل و آموزه‌های عهد جدید، نهاد برده‌داری را به فضایی کشاند که در آن فقط می‌توانست پژمرده شود و بمیرد.

و همینطور هم شد. و من اینجا به یک منبع دیگر اشاره می‌کنم. روی صفحه نمایش است، اما اینجا خود دفتر خاطرات را می‌بینید.

این نوشته‌ی یکی از اساتید سابق اینجاست. ما او را جیمی ایگان صدا می‌زدیم. او الان در کسوت کشیشی است، اما مقاله‌ی بسیار خوبی نوشته که سال گذشته منتشر شد، با عنوان «انجیل در مقابل برده‌داری». شش استدلال در عهد جدید.

او استدلال می‌کند که در خود عهد جدید، ما نه تأیید برده‌داری، بلکه چنان توصیف و توجهی به برده‌داری می‌بینیم که حتی در آن زمان، مردم می‌توانستند و باید می‌داشتند، و در برخی موارد، شرارت این نهاد را می‌دیدند، و اینکه برده‌داری به طور ضمنی توسط عهد جدید محکوم می‌شود، و ما باید به عهد جدید اعتبار بیشتری نسبت به آموزه‌هایش در مورد برده‌داری که بسیار جلوتر از زمان خود بود، بدهیم، و سپس همچنین ببینیم که در این مورد، مانند بسیاری از موارد، کلیسا همیشه کتاب مقدس را با تمام و کمال یک دیدگاه روشن که باید باشد، نخوانده است. بنابراین، این تمام چیزی بود که می‌خواستیم در مورد این آیات

به NIV آغازین اول تیموتائوس ۶ بگویم، اگرچه چیزهای بیشتری می‌توان گفت. سپس در کتاب مقدس عنوان «معلم‌ان دروغین و عشق به پول» (می‌رسم).

و من کلماتی را که در انتهای آیه ۲ آمده است تکرار می‌کنم. اینها چیزهایی هستند که شما باید آموزش دهید و بر آنها اصرار کنید زیرا او اکنون به این موضوع آموزش می‌پردازد که از همان ابتدا در فصل ۱ تکرار شده است، مشکلی که تیموتائوس با آن روبرو است و چالشی که باید در ادامه مقاومت در برابر آن تقویت شود این معلم‌ان دروغین هستند که بدیهی است بسیار پیچیده و بسیار مؤثر و بسیار قدرتمند هستند، زیرا پولس باید به بازگشت ادامه دهد و او ضربه دیگری به روش آنها، نحوه عملکرد آنها و منابعی که تیموتائوس برای مقابله با آن با چیزهای خوب و خالص و درست در اختیار دارد، وارد می‌کند. پولس در آیه ۳ می‌گوید، اگر کسی غیر از آنچه پولس به تیموتائوس آموزش می‌دهد، آموزش دهد و با آموزش صحیح خداوند ما عیسی مسیح و آموزش الهی موافق نباشد، من فقط در آنجا مکث می‌کنم. چرا او باید آموزش خداوند ما عیسی مسیح را بگوید؟ آیا این آموزش پولس نیست؟ نه، این آموزش پولس نیست.

او رسول عیسی مسیح است. بنابراین، همانطور که در سخنرانی اول گفتم، رسول به این معنی است که شما تحت صلاحیت شخص دیگری هستید و فقط مجاز هستید آنچه را که برای شما باز شده است به آنها منتقل کنید. و این کاری است که پولس انجام می‌دهد.

او احساسات و اعتقاداتی را که عیسی مسیح به او منتقل کرده است، منتقل می‌کند. اگر کسی با این موارد موافق نباشد، آیه ۴، متکبر است و هیچ چیز نمی‌فهمد. آنها علاقه ناسالمی به جنجال‌ها و نزاع‌ها بر سر کلمات دارند که منجر به حسادت، نزاع، سخنان بدخواهانه، سوءظن‌های شیطانی و اصطکاک مداوم بین افراد با ذهن‌های فاسد می‌شود.

این من را یاد بعضی از وبلاگ‌ها و لحن مطالبشان می‌اندازد. انگار پولس دارد چیزی شبیه به این را توصیف می‌کند. اینها افرادی هستند که از حقیقت محروم شده‌اند و فکر می‌کنند دینداری وسیله‌ای برای کسب درآمد است.

در جاهایی از دنیا که من بوده‌ام، افرادی هستند که مشتاقند کشیش شوند، چون این کار منبع درآمد است. چه یک کلیسای مستقل باشد و چه یک فرقه غربی که شاید از طریق استعمار در آن کشور حضور داشته باشد. فکر می‌کنم کلیسای انگلیکان و حضورش در سراسر آفریقا.

ارزیابی افرادی که می‌خواهند برای کلیسا کار کنند، واقعاً چالش‌برانگیز است، زیرا گاهی اوقات مردم برای به دست آوردن موقعیتی که درآمد و جایگاه اجتماعی برایشان فراهم کند، می‌گویند که به هر چیزی اعتقاد دارند. این یک مشکل است و در سراسر جهان وجود دارد. در غرب نیز این مشکل وجود دارد، زیرا افرادی هستند که به دلایل بسیار نامقدس وارد این وزارتخانه می‌شوند.

گاهی اوقات به عنوان معلمی که به دانشجویانی که در مورد رسالت و دیدگاه خود صحبت می‌کنند مشاوره می‌دهم، این کار در سطح حوزه علمیه چندان رایج نیست. اما وقتی در دانشگاه تدریس می‌کردم، با مردان جوان زیادی آشنا شدم که انگیزه‌های بسیار بی‌پروایی داشتند. آنها اساساً قدرت می‌خواستند.

یا در یک مورد، مرد جوانی را به یاد دارم که برای رفتن به حوزه علمیه مشکل داشت. پدرش سال‌ها پیش به حوزه علمیه‌ای رفته بود که دیگر واقعاً کتاب مقدس تدریس نمی‌کرد. از یک طرف، پسر معتقد بود که من واقعاً دوست دارم به حوزه علمیه‌ای بروم که در آن کتاب مقدس و انجیل مسیحی به من آموزش داده شود.

اما پدرم به من پیشنهاد داد و سپس این مجموعه گسترده را توصیف کرد. پدرش آسیایی بود و پدرش ثروتمند شده بود، او به پدرش گفت اگر به مدرسه علمیه من، همان مدرسه‌ای که من رفتم، بروی، این مجموعه را به تو می‌دهم. و این مرد جوان به من گفت که من در اطراف این کالج که در یک منطقه مرفه‌نشین نیز بود، رانندگی می‌کنم.

او گفت من این خانه‌ها و این ماشین‌ها را می‌بینم. و یک دقیقه فکر کرد و گفت این چیزی است که من می‌خواهم. من به او هشدار دادم.

گفتم این دیوانگی است. بعداً در این فصل خواهیم دید. خودت را از عشق به پول رها کن.

اما او به مدرسه مذهبی پدرش رفت. او نمی‌توانست از چاپلوسی پول دست بکشد. آنها فکر می‌کنند که خداپرستی وسیله‌ای برای کسب درآمد است.

اما پولس اینجا قضیه را کمی برعکس می‌کند. او می‌گوید خداترسی همراه با قناعت، سود بزرگی است. نارضایتی از تلاش برای پول، مثل یک تردمیل است.

این یک سیاه‌چاله است. این آن رضایتی نیست که دینداری ارائه می‌دهد. اما دینداری رضایت بهتری را با سود فراوان ارائه می‌دهد.

و دلیلش این است. ما چیزی به این دنیا نیاورده‌ایم و نمی‌توانیم چیزی از آن ببریم. اما اگر غذا و لباس داشته باشیم، به آن قانع خواهیم بود.

این ما به عنوان مسیحیان هستیم، کسانی که قلب‌هایمان سرشار از رضایت از شناخت خداست. و رضایت از این که زندگی ما توسط خدا هدایت و نظارت می‌شود و او ما را به مکانی که خود برگزیده است، منتقل کرده است. و می‌توانیم با مزامیر بگوییم که خطوط زندگی ما در مکان‌های دلپذیری قرار گرفته‌اند و می‌توانیم از شرایط خود رضایت پیدا کنیم زیرا درک می‌کنیم که خدا ما را به آنجا رسانده است.

او ما را در آنجا حفظ خواهد کرد و همه چیز را با ما و برای ما پیش خواهد برد. کسانی که می‌خواهند ثروتمند شوند، در وسوسه و دام و بسیاری از آرزوهای احمقانه و مضر که مردم را به تباهی و نابودی فرو می‌برد، گرفتار می‌شوند. اکنون در بسیاری از نقاط جهان چیزی داریم که آن را بخت‌آزمایی می‌نامیم.

و خواندن داستان‌هایی در مورد اتفاقاتی که برای افراد هنگام برنده شدن در قرعه‌کشی می‌افتد، بسیار رایج است. و در اکثر موارد، اساساً زندگی آنها را خراب می‌کند. وقتی به آرزوی ثروتمند شدن خود می‌رسند، آنقدر مخرب است که زندگی آنها پس از دریافت این همه پول، بدتر از قبل از رسیدن به پول می‌شود.

آیه ۱۰ در مورد عشق به پول می‌گوید ریشه، اما می‌توان آن را ریشه انواع شر ترجمه کرد. و همچنین می‌توان آن را ریشه همه بدی‌ها ترجمه کرد. منظورم این است که شاید کمی اغراق‌آمیز باشد، شاید کمی اغراق‌آمیز باشد.

اما ترجمه‌های قدیمی‌تر می‌گویند که عشق به پول ریشه همه بدی‌هاست. این یک شر فراگیر است که واقعاً کم گفتن نیست. بخش زیادی از شری که در جهان اتفاق می‌افتد نتیجه عشق کسی، طمع کسی، عشق آنها به پول است.

من حتی می‌گویم که حمله روسیه به اوکراین تا حدودی انگیزه اقتصادی دارد. برخی از مردم مشتاق پول هستند، و من فکر می‌کنم به ویژه با توجه به تفکر پولس در مورد افراد در کلیسا، برخی از افراد مشتاق پول از ایمان منحرف شده‌اند و خود را با غم و اندوه زیادی سوراخ کرده‌اند. بنابراین، برای مشاهدات، اول از همه می‌گویم که طبیعت انسان این است که با آموزه‌های رسولان مخالفت کند و اغلب برای منافع مالی با آن مخالفت کند.

به نظر من این فقط یک تمایل انسانی است و وقتی در کلیسای خدمت می‌کنید و اختلاف نظر زیادی وجود ندارد، اوضاع به نوعی رو به جلو می‌رود، شیرین است. اما اتفاقی که اغلب در خدمت می‌افتد این است که یک یا چند نفر یا حزب ظهور می‌کنند، هرچه کلیسا بزرگتر باشد، احتمال این اتفاق بیشتر است. حداقل می‌توانیم آنها را چرخ‌های جیرجیر بنامیم.

افرادی که همیشه در حاشیه هستند، از چیزی شکایت می‌کنند یا خواسته‌ای دارند یا به کشیش یا کلیسا فشار می‌آورند تا در مسیری قرار بگیرند که شاید چندان سالم نباشد. یا افرادی هستند که هر بار که در کلاسی تدریس می‌کنید، دستشان را بالا می‌برند و با شما مخالفت می‌کنند. یا من به یک کشیش بسیار مشهور فکر می‌کنم که موعظه‌هایش آنقدر خوب تحقیق و نوشته شده بود که منتشر شد.

اما هر دوشنبه یا سه‌شنبه بعد از موعظه‌اش، در شهری موعظه می‌کرد که یک کالج مسیحی در آن وجود داشت و بنابراین اساتید زیادی در موعظه‌های او شرکت می‌کردند. و هر دوشنبه یا سه‌شنبه، از استادی که از او و موعظه‌هایش خوشش نمی‌آمد، نقد مفصلی دریافت می‌کرد. بنابراین از یک طرف، یک ناشر مسیحی خطبه‌ها را منتشر می‌کند، اما کسی در میان حضار هست که فقط مثل خاری در گوشت اوست و همیشه به چیزهایی اشاره می‌کند که فکر می‌کند اشتباه هستند.

و او عضو کلیسا بود، بنابراین به نوعی مجبور بود با این شخص سر و کار داشته باشد. این فقط یکی از ویژگی‌های چشم‌انداز خدمت است. البته، در موارد شدید، اگر این امر باعث تفرقه‌ای مانند آنچه در مورد تیطوس خواهیم دید، شود، گاهی اوقات باید اقدامی انجام شود.

و من گمان می‌کنم در موارد شدید، اگر شخصی مطالبی را تعلیم دهد که بدعت‌آمیز هستند، زمانی فرا می‌رسد که آن شخص باید از کلیسا اخراج شود و کلیساهای مختلف روش‌های مختلفی برای منع مشارکت در کلیسا یا تنبیه آنها پس از دعا، صحبت و نصیحت دارند. با بازگشت به متی ۱۸، تمهیداتی برای برخورد با کسی که در کلیسا با او اختلاف نظر وجود دارد، وجود دارد. در مورد سود دینداری، سود واقعی دینداری، با قناعت همانطور که پولس می‌گوید، او به سه نکته اشاره می‌کند که شایسته تأکید هستند.

اولاً، واقع‌گرایی در آیه هفتم در مورد دارایی‌های ماست. و من این را داخل گیومه گذاشتم چون ما مالک چیزی نیستیم. ما برهنه به دنیا آمده‌ایم و برهنه از آن بیرون خواهیم رفت.

هر چه داریم قرضی است. و حتی آنچه نقل می‌کنیم موقتی است. و من اینجا روی پرده سینما دارم، وقتی که همه ما به خدایی که ما را آفریده بازمی‌گردیم.

در زمان مرگ قابل پرداخت است. وقتی بمیریم، هر آنچه داریم، همان چیزی است که داریم، آن را POD و واگذار خواهیم کرد. و شخص دیگری آن را خواهد داشت.

بنابراین، نکته‌ی مفیدی است که به یاد داشته باشیم ما امانت‌دار چیزهایی هستیم که به ما داده شده است. و نمی‌خواهیم عشق خود را به آن چیزها معطوف کنیم، زیرا این چیزها دائمی نیستند. خدا دائمی است. چیزها دائمی نیستند.

در آیه هشتم، نعمت قناعت به داشته‌هایمان به ما یادآوری می‌شود. اگر غذا و لباس داریم، به آن قانع خواهیم بود. و می‌توانیم بدانیم که ای کاش بیشتر داشتیم.

ما می‌توانیم بدانیم که واقعاً به اندازه کافی نداریم، مخصوصاً اگر فرزند داشته باشیم. اغلب فقط به این فکر می‌کنید که چطور قرار است از پس مخارج زندگی برآیید. اما نکته عالی در مورد انجیل و شالومی که خدا ارائه می‌دهد این است که او می‌تواند به گونه‌ای با ما باشد که حتی وقتی نگرانی‌هایی داریم، بتوانیم شب‌ها استراحت کنیم.

می‌توانیم مطمئن باشیم که او آینده‌ی ما را تضمین می‌کند. و این همان چیزی است که پولس در مورد آن صحبت می‌کند، قناعت. اگر در حال حاضر به اندازه‌ی کافی داشته باشیم، می‌توانیم از داشته‌هایمان راضی باشیم.

و بسیاری از مقدسین در طول اعصار و همچنین در کتاب مقدس می‌بینیم که در حال حاضر به اندازه کافی ندارند. با این حال، آنها هنوز هم از خدا راضی هستند. پولس این را می‌داند و بنابراین آن را ستایش می‌کند.

و در نهایت، شاهد رهایی از وسوسه‌ها، دام‌ها، آرزوها و نابودی‌هایی هستیم که به دلیل عشق به پول به جای عشق به خدا ایجاد می‌شوند. و افرادی که چیزی را دوست دارند که کتاب مقدس می‌گوید آن را دوست ندارند، اغلب آن را به صورت منفی می‌بینند و احم می‌کنند و غرغر می‌کنند و دوست ندارند به آنها گفته شود که این خوب نیست. اما خدا می‌داند چه چیزی برای قومش بهترین است و گاهی اوقات چیزهایی که ما می‌خواهیم بدترین چیزهایی هستند که خدا با دستوراتش به نوعی دست ما را می‌زند و می‌گوید، نه، به آنجا نرو.

با نگاهی به گذشته متوجه می‌شویم که این کار خیرخواهانه، حکیمانه و به نفع ما بود. و خدا را شکر می‌کنیم، که به گذشته نگاه می‌کند و به این فکر می‌کند که چگونه ما را از آنچه که می‌توانست روح ما را نابود کند همانطور که پولس به تیموتائوس می‌نویسد، در افسس نجات داد. اکنون ما یک اتهام نهایی به تیموتائوس این آخرین بخش از اول تیموتائوس است، NIV داریم و طبق عنوان کتاب مقدس

اما تو ای مرد خدا. در عهد جدید مردان خدا زیاد بودند، اما هیچ کس دیگری در عهد جدید مرد خدا نامیده نشده است. در عهد عتیق، تعدادی از پیامبران هستند که مرد خدا نامیده شده‌اند، اما این نوعی انتقال چیزی است که در عهد عتیق به تیموتائوس گفته شده است.

و او از این بابت قدردانی می‌کرد، زیرا او دانشجوی عهد عتیق بود. او با قرائت‌های عهد عتیق بزرگ شده بود، تو، ای مرد خدا، از همه اینها فرار کن، پس اولین وظیفه تو این است، و در پی عدالت و خداترسی باش، دوباره آن کلمه، ایمان، عشق و استقامت وجود دارد.

و من فکر می‌کنم در زبان یونانی هیچ «و» بی‌وجود ندارد. این مثال دیگری است که پولس تعدادی از چیزها را حذف می‌کند و این یک توالی منظم، یک، دو، سه، چهار و پنج نیست. این فقط یک کلاژ سریع از انواع ویژگی‌هایی است که انجیل در کسانی که از طریق مژده به دنبال خدا هستند القا می‌کند و به ویژگی‌های شخصیتی تبدیل می‌شود که ما را قادر می‌سازد آن زندگی رضایت‌بخش را در برابر خدا و با خدا و در خدمت به خدا داشته باشیم.

در نبرد نیکوی ایمان بجنگ. این آسان نخواهد بود. محکم بگیر، محکم بگیر حیات جاودانی را که به آن فراخوانده شده‌ای، آنگاه که در حضور بسیاری از شاهدان، اعتراف نیکوی خود را انجام دادی.

این دومین باری است که پولس به واقعه ای اشاره می کند که در آن تیموتائوس به نوعی خود را وقف خدا کرد و به او سپرده شد و برایش دعا شد و دعوتش به رسمیت شناخته شد. او دوباره به این موضوع اشاره می کند. به این نکته که وقتی در حضور بسیاری از شاهدان اعتراف کردی، واضح بود، پایبند باش.

در نظر خدا، این کلام بسیار جدی است، در نظر خدایی که به همه چیز حیات می بخشد و در نظر مسیح عیسی که هنگام شهادت در برابر پنطیوس پیلطس اعتراف نیکو را انجام داد. بنابراین، او واقعاً تیموتائوس را فرا می خواند تا اتحاد خود با مسیح و اینکه مسیح گونه بودن در موقعیت او چگونه باید باشد و اینکه آنچه او با آن روبرو است چیزی نیست که خود مسیح عیسی هرگز با آن روبرو نشده باشد. او با آن روبرو شد.

او هنگام شهادت دادن در برابر پنطیوس پیلطس، اعتراف خوبی کرد. من شما را مواخذه می کنم، آن کلمه ای که قبلاً در آیه ۱ دیدیم، در فصل ۱ آمده است. بنابراین، فصل ۶ به آنچه در فصل ۱ آمده بود، یعنی قرار دادن تیموتائوس تحت فرمان وفاداری، پایان می دهد. من شما را مواخذه می کنم که این فرمان را نگه دارید، فرمان ماندن در افسس، فرمان وفادار بودن در خدمت او، فرمان تسلیم نشدن در برابر معلمان دروغین، فرمان تسلیم نشدن در برابر... در دوم تیموتائوس خواهیم دید که او چگونه با افرادی که با انجیل و او و آموزه های پولس مخالفت می کنند، برخورد می کند.

این فرمان را بدون هیچ نقص یا عیبی حفظ کنید و آن را با ایمان تا زمان ظهور خداوند ما عیسی مسیح که خدا در زمان خود آن را محقق خواهد ساخت، به جا آورید. این ظهور می تواند زود باشد، می تواند دیرتر باشد، اما اتفاق خواهد افتاد. خدای متبارک و حاکم یگانه، پادشاه پادشاهان و رب الارباب، که تنها او جاودانه است و در نوری دست نیافتنی زندگی می کند، که هیچ کس او را ندیده و نمی تواند ببیند، عزت و قدرت ابدی از آن اوست.

یک ستایش دیگر هم هست و فکر می کنم کاری که پولس اینجا انجام می دهد، آگاهانه و ناآگاهانه، این است، که با ابراز این قدردانی والا از خدا، او تیموتائوس را فرا می خواند، فکر می کنم او تیموتائوس را فرا می خواند از تیموتائوس دعوت می کند تا همین رؤیا را تأیید کند، که همه مشکلات ما را در چشم انداز قرار می دهد. نمی دانم شما چطور، اما گاهی اوقات من شب ها برای خوابیدن مشکل دارم و ترفندهای مختلفی دارم و یکی از آنها این است که به کتاب مقدس استناد کنم و سپس شاید به اعتقادنامه رسولان استناد کنم، دعای ربانی بخوانم، مزمو ۲۳ را بخوانم، برای مردم دعا کنم، و در مقطعی، اغلب فقط حس حضور خدا را خواهم داشت.

و این همه چیز را در چشم انداز قرار می دهد. به من اجازه می دهد همه چیز را به دست خدا بسپارم. او تنها کسی است که می تواند تمام این چیزهایی را که من به نحوی به آنها وابسته ام، اما نمی توانم کاری در موردشان انجام دهم، اداره کند.

اما خدا به دلیل عظمت و بزرگی اش می تواند کارهای زیادی انجام دهد. بنابراین، این تصویر از خدا که تا این حد متعالی، تا این حد حقیقی، تا این حد فراگیر است، چیزی است که کسی مثل پولس یا تیموتائوس یا مسیحیان امروزی بارها و بارها به آن برمی گردیم تا به خودمان یادآوری کنیم که چه کسی هستیم و خودمان را در دستان چه کسی می توانیم قرار دهیم. و این منجر به مشاهدات می شود.

اول از همه، خدا بزرگترین انگیزه برای وفاداری در خدمت به اوست، به معنایی بسیار مستقیم و واقعاً. وصف ناپذیر. ما نمی توانیم خدا را توصیف کنیم. ما واقعاً نمی توانیم ذهن خود را در مورد او متمرکز کنیم.

ما نمی توانیم او را به ابعاد کاملاً قابل شناخت و قطعاً غیرقابل مدیریت تقلیل دهیم. او خداست. ما نیستیم.

و در عظمت و شکوه خود، او بزرگترین انگیزه برای وفاداری در خدمت به اوست. ثانیاً، خداوند امکان پیگیری مؤثر اراده خود را فراهم می‌کند. و من اینجا به آیه ابتدایی این بخش کوچک فکر می‌کنم، فرار کن و تعقیب کن.

او امکان پیگیری مؤثر اراده‌اش را فراهم می‌کند، نه صرفاً اجتناب از اشتباهات. و در واقع، این راهی است که تیموتائوس پیروز خواهد شد. او با دنبال کردن آنچه خدا پیش رویش قرار می‌دهد، پیروز خواهد شد.

اگر این کار را نکنند، ممکن است لازم باشد فرار کند. اما من این را اخلاق مثبت پولس می‌نامم. و دوباره این را، با توجه به دوم تیموتائوس ذکر می‌کنم، اما ما از شر دوری نمی‌کنیم، نه فقط با اجتناب از شر و گفتن خدایا، من خیلی خوب عمل می‌کنم.

را انجام نمی‌دهم. راه اجتناب از شر، راه اجتناب از آنچه پولس در غلاطیان طعمه جسم شدن Z و Y، X من می‌نامد، با گام برداشتن و ادامه زندگی در روح است. بنابراین اگر زندگی خود را با چیزهای خوب دنبال کردن خدا پر کنیم، دیگر وقت و انرژی برای تلف کردن وقت خود با وسوسه شدن توسط چیزهایی که از کتاب مقدس یا از تجربه می‌دانیم و خوب نیستند، نخواهیم داشت. و گاهی اوقات مردم انرژی زیادی را صرف تلاش برای انجام ندادن کارهای بد می‌کنند و کاری که باید انجام دهند این است که راه‌هایی برای اختصاص زندگی خود به خدمت و دنبال کردن خدا پیدا کنند.

و اگر در نور گام برداریم، در تاریکی سرگردان نخواهیم بود. سومین نکته، توجه به خدا از طریق ایمان به مسیح است که منجر به ستایش و نیایش می‌شود و الهیات و اخلاق خوب را به کمال می‌رساند. منظورم این است که به نظر من تیموتائوس الهیات خوبی دارد.

او این را از بهترین آنها آموخته است، به علاوه او پایه و اساس خوبی از مادر و مادر بزرگش داشته است. و من فکر می‌کنم او در اعمال عملی خود در جهت خدا، در زندگی اخلاقی خود، بسیار پیشرفت کرده است. اما آنچه الهیات خوب و عمل خوب را کامل می‌کند و آنچه آن را تجدید می‌کند و آنچه آن را تأیید می‌کند، نوع عشق به خداست که منجر به این نوع ستایش برای خدا می‌شود که در آیات ۱۵ و ۱۶ می‌بینیم.

منظورم این است که آنچه ما می‌بینیم زبان ستایش یا زبان ستایش است، اما منبع آن در قلب و روح پولس عشق عمیقی به خداست. و این نوع ستایش همان چیزی است که گیلان روی کیک را برای خدا، یعنی باور نیک و عمل نیک، قرار می‌دهد. تقریباً می‌توان فکر کرد که نامه قرار است در اینجا تمام شود، اما پولس ادامه می‌دهد، شاید به این دلیل که او فقط این احساس آزاردهنده را دارد که تیموتی با نوعی چالش روبرو است که باید دوباره تکرار کند که یک مشکل بزرگ چیست و تیموتی چگونه باید به آن پاسخ دهد.

و باید حدس بزنید که در افسس، که شهری مرفه بود، افرادی در جماعت یا جماعت‌هایی بودند که پول داشتند. و افرادی که پول دارند برای کلیسا بسیار مهم هستند زیرا از طریق هدایت خدا، کار کلیسا را تأمین مالی می‌کنند. اگر به خاطر اهداکنندگان ثروتمند نبود، کلاس درسی که من الان در آن ایستاده‌ام، در ساختمانی در یک پردیس مدرسه علمیه در ایالات متحده، وجود نداشت.

چون طلاب حوزه‌های علمیه پول ندارند که دانشگاه بخرند و ساختمان بسازند و پروژکتور و کامپیوتر و چیزهایی از این قبیل. بنابراین خدا افرادی را با وسایلی برمی‌انگیزد تا از طریق آنها کار او در جهان ادامه یابد. اما گاهی اوقات افرادی که ثروتمند هستند، از طریق ثروت خود قدرت زیادی دارند و اگر در مسیرهای نامقدس حرکت کنند، می‌توانند مشکلات زیادی ایجاد کنند زیرا می‌توانند به یک کشیش یا کلیسا فشار بیاورند تا کارهای غیراخلاقی انجام دهد.

یا می‌توانند، به دلیل قدرتشان، فکر کنند که آنچه فکر می‌کنند شاید از کلام خدا درست‌تر باشد. و در تمام عمرم افراد ثروتمندی را دیده‌ام که یا خودشان از طریق نفوذشان یا در برخی موارد، یک مورد قابل توجه که ذکر نمی‌کنم، نویسنده‌های گمنام استخدام کردند و کتاب نوشتند. او واقعاً آنها را نوشت، نویسنده‌های گمنام کتاب نوشتند.

و آنها واقعاً کتاب‌های دیوانه‌واری بودند و در کلیساها دردرس درست می‌کردند. اما او می‌توانست این کار را انجام دهد چون پول داشت. و کاملاً محتمل است که تیموتائوس افرادی را در کلیسا داشته باشد که می‌توانستند از طریق پولشان کارهای خیر انجام دهند، اما مشکلاتی هم ایجاد می‌کردند چون ثروتمند بودند و افراد ثروتمند ارزش توجه دارند و گاهی اوقات، آنها آنقدر که فکر می‌کنند باهوش نیستند و گاهی اوقات آنقدر که فکر می‌کنند خوب نیستند.

آنها فروتن نیستند و ممکن است واقعاً آنطور که فکر می‌کنند، الهیات را نمی‌دانند. بنابراین، به ثروتمندان این دنیا دستور بده که مغرور نشوند و به ثروت امید نهند. این برای یک فرد ثروتمند دشوار است.

عیسی گفت که برای یک فرد ثروتمند ورود به پادشاهی آسمان دشوار است. خیلی دشوار. امید آنها را به ثروتی که بسیار ناپایدار است، قرار ندهید، بلکه به خدایی که همه چیز را برای لذت بردن ما به وفور فراهم می‌کند، امیدوار باشید.

به آنها دستور دهید که نیکی کنند، در کارهای نیک ثروتمند باشند و سخاوتمند و مایل به سهمیم شدن باشند. این همان چیزی است که انجیل برای ثروتمندان به آن اشاره می‌کند. نه اینکه خدا آنجاست تا به شما در جمع‌آوری ثروت کمک کند، اگرچه ممکن است همچنان شما را ثروتمند کند، بلکه خدا چیزهایی را برای شما فراهم کرده است تا با حمایت از کار خدا در جهان و با کمک‌های عملی در خدمت، سخاوت و تمایل به سهمیم شدن با سایر افراد نیازمند، مانند بیوه زنان، خدا را جلال دهد.

به این ترتیب، آنها برای خود گنجی به عنوان پایه‌ای محکم خواهند اندوخت. باز هم، این آموزه‌ی عیسی است. گنجی برای خود در آسمان، جایی که بید و زنگ فاسد نمی‌کنند، ذخیره کنید.

تا بتوانند زندگی‌ای را که واقعاً زندگی است، به دست آورند. یک زندگی خوب وجود دارد که می‌توان با پول خرید، اما یک زندگی خوب واقعی هم وجود دارد که نمی‌توان با پول خرید، و آن رفاقت با خداست، و آن شادی و رضایت از زندگی‌ای است که وقف انجام اراده خداست. سپس در اینجا یک وقفه کوچک در گفتمان وجود دارد، روانشناختی و پولس واقعاً به سخنان پایانی خود می‌پردازد.

تیموتائوس، فکر می‌کنم این دومین باری است که او نامش را می‌گوید، از آنچه به تو سپرده شده است محافظت کن. و این یکی از راه‌های خلاصه کردن تمام چیزهایی است که او گفته است. پولس افسس را ترک کرده است، او قوم خدا را به او سپرده است، و او خدمت انجیل را در یکی از شهرهای بزرگ امپراتوری روم به او سپرده است.

از آن محافظت کنید. از یاوه‌گویی‌های بی‌خدا و ایده‌های مخالف آنچه به دروغ دانش نامیده می‌شود، دوری کنید، ایده‌هایی که برخی آن را ادعا کرده‌اند و با این کار از ایمان دور شده‌اند. من فکر می‌کنم دوره‌ای در مورد موضوعی که پولس برای اولین بار در فصل اول، وقتی در مورد معلمان دروغین صحبت می‌کند، مطرح می‌کند، وجود دارد.

و او در طول داستان بارها و بارها به آنها اشاره می‌کند، اما وقتی داستان را تمام می‌کند، فکر می‌کنم نتیجه‌گیری منطقی است. این فقط یک انگیزه اصلی برای پولس است تا آنچه را که می‌نویسد بنویسد زیرا او این را می‌داند، او می‌داند که تیموتائوس می‌تواند در برابر این مقاومت کند، اما از نظر انسانی می‌داند که این یک چیز نزدیک خواهد بود. زیرا اینها ایده‌های قدرتمندی هستند، اینها افراد تأثیرگذاری هستند، آنها منابعی دارند.

کلیسا نمی‌تواند بدون منابع عمل کند، به این معنی که شما افراد ثروتمندی دارید، اما ممکن است این افراد ثروتمند بخشی از مشکل باشند. و خدا می‌تواند به تیموتائوس کمک کند تا این مشکل را حل کند، اما این روند آسانی نخواهد بود. من می‌خواهم اینجا فقط به این نکته اشاره کنم که به دلیل این کلمه دانش، در ادبیات قدیمی‌تر، این به عنوان مدرکی در نظر گرفته می‌شد که این نوشته در اواخر نوشته شده است، این نوشته پولس نیست، این مربوط به اواخر قرن اول است، این مربوط به اوایل قرن دوم است زیرا این اشاره‌ای به عرفان است.

اما بسیاری از مفسران معتقدند که گنوستیسیسم به طور قابل توجهی متاخرتر از آن چیزی است که حتی اکثر پیش‌بینی‌های مربوط به یک رساله‌ی تیموتائوس اول ساختگی اجازه می‌دهند، و در هر صورت، اگر پولس آن را نوشته باشد، که فرض من است، واقعاً هیچ مدرکی دال بر وجود چیزی شبیه گنوستیسیسم در اوایل قرن اول وجود ندارد. بنابراین، این اشاره‌ای به گنوستیسیسم قرن دوم با حرف بزرگ نیست. بدیهی است که دانش فقط کلمه‌ای بود که برای خلاصه کردن دیدگاهی که ضد انجیل، یا ضد پولس، یا ضد مسیح بود، استفاده می‌شد.

این خلاصه‌ای از آن بود. نمی‌دانم که آیا این خلاصه‌ای بود که پولس و تیموتائوس برای آن به کار بردند، یا اینکه خودشان از آن استفاده کردند. ما اصلاً این چیزها را نمی‌دانیم.

اما اگر می‌خواهید بدانید که آن دانش چیست، خب، اول تیموتائوس را بخوانید، و هر بار که به معلمان دروغین اشاره می‌کنید، بنویسید که خب، آنها چه گفتند؟ چه چیزی را اشتباه متوجه می‌شدند؟ نسب‌نامه‌ها، و گمانه‌زنی‌های بت‌پرستانه، و تمام این استراتژی‌ها و اعتقاداتی که با آموزه‌های مربوط به مسیح رقابت می‌کردند. این دانش است. بنابراین، درست همان جایی است که می‌توانیم رئوس مطالب آن را ببینیم، و پولس فقط آنچه را که همیشه می‌گفته اینجا تکرار می‌کند.

معلمان دروغین وجود دارند. آنها مردم را گمراه می‌کنند. آنها از ایمان منحرف می‌شوند.

هایمن ایمز و الکساندر را از فصل اول به یاد داشته باشید. از آنچه به شما سپرده شده است، محافظت کنید و درگیر این گمانه‌زنی‌های بت‌پرستانه نشوید. مثبت‌اندیش باشید.

به متن موعظه انجیل خود پایبند باشید. و اگر در زمین آنها باشید، نمی‌توانید برنده شوید. پس در زمین آنها نباشید.

به آنها این لطف و محبت را نکنید که آنقدر آنها را جدی بگیرید که انگار دیگر نمی‌دانید به مسیح اعتقاد دارید یا نه. چیزی که شما به آن اعتقاد دارید تفسیر درست تمام ایده‌های آنهاست. آنها حتی در حد و اندازه حقیقت نجات‌بخش خدا و انجیل هم نیستند.

بنابراین، همانطور که نتیجه می‌گیریم، می‌توانیم ببینیم که بخشی از مسئولیت تیموتائوس، مسئولیت دادن به دیگران است. او مراقبت از جان‌ها را بر عهده دارد. او خودش نیز تحت مسئولیت است، اما بخش بزرگی از

این مسئولیت مربوط به این است که دیگران چگونه باید انجیل را بپذیرند، آن را زندگی کنند و به آن وفادار بمانند.

این فقط وظیفه‌ی شبانی است. ثانیاً، ثروتمندان هم مانند بقیه‌ی ما مطیع خدا هستند. در حالی که ما باید به همه در خانه‌ی خدا احترام بگذاریم، و این شامل افراد ثروتمند نیز می‌شود، گاهی اوقات، به عنوان خادم باید آگاه باشیم که افرادی هستند که سعی می‌کنند از ثروت و جایگاه خود برای تضعیف ما استفاده کنند تا بتوانند واقعاً کلیسا را اداره کنند.

و این چیزی است که هر یک از ما باید راه خود را در آن پیدا کنیم. شاید شما در یک خانواده ثروتمند بزرگ شده باشید، بنابراین به سر و کله زدن با افراد ثروتمند عادت دارید. اما من در یک خانواده نه چندان ثروتمند بزرگ شدم، بنابراین افراد ثروتمند همیشه به نوعی مرا مرعوب کرده‌اند.

چون اگر از طبقه کارگر باشید، طوری بزرگ می‌شوید که انگار این افراد با قدرت و پول وجود دارند. و اگر در خدمت هستید، باید مراقب باشید که آنها خدمت شما را اداره نکنند یا باعث نشوند که از ایمان خود رویگردان شوید، چون به آنها به جای مسیح اعتماد کرده‌اید. و مخصوصاً وقتی که شما را با قطع کمک‌های مالی تهدید می‌کنند.

وضعیت خیلی سختیه. ثروت واقعی، سرمایه‌گذاری در چیزیه که خدا برایش ارزش قائله. ثروت واقعی، سرمایه‌گذاری در چیزیه که خدا برایش ارزش قائله.

این خودِ ثروت به شکلی که در جهان وجود دارد، نیست. ثروت چیزی است که خدا برای آن ارزش قائل است. بخشی از رشد مسیحی، یادگیری این است که خدا واقعاً چه چیزی را در اولویت قرار می‌دهد و نقطه شیرین شالوم، یعنی صلح با خدا، کجاست.

دنبال چه چیزی؟ خب، فقط مبلغ حساب بانکی شما نیست. شاگردسازی امانتی است که باید از آن محافظت کرد و آن را هدر نداد. این چیزی است که به تیموتائوس سپرده شده است.

می‌دانید، نه پول، نه ساختمان، نه یک موسسه، نه قدرت، بلکه مراقبت ارزشمند از جان‌ها، تربیت شاگردان کسانی که مأموریت بزرگ عیسی را به انجام می‌رسانند و از زندگی مشارکتی در آن کار لذت می‌برند. این چیزی است که باید از آن محافظت شود. باور یا عمل نادرست می‌تواند ما را از ایمان نجات‌بخش دور کند.

من گاهی اوقات از دست مردم بی‌صبر می‌شوم که چرا باید فقط به آموزه‌های کتاب مقدس ایمان داشته باشیم؟ خب، خیلی چیزها هستند که مبهم و نامشخص هستند. برای مثال، رومیان ۱۴، یک فصل کامل در مورد حوزه‌هایی است که تا حدودی به خود فرد بستگی دارد. همه اینها مهم است، اما این آزادی وجود دارد که افراد در مورد چیزهای خاص، راه‌های مختلفی را در پیش بگیرند.

رومیان ۱۴ را بخوانید و خواهید دید که در مورد چه چیزهایی صحبت می‌کنم. اما اگر در مورد آموزه‌های اصلی انجیل صحبت می‌کنیم، پس تحمل زیادی وجود ندارد. برای مثال، در اوایل این کتاب افرادی را دیدیم که رستاخیز را انکار می‌کردند.

اگر مردم رستاخیز، رستاخیز جسمانی عیسی را انکار کنند، این شما را از ایمان دور می‌کند. و گاهی اوقات انکار رستاخیز عیسی با انحرافات کمتری از آنچه کتاب مقدس می‌گوید شروع می‌شود، خب، چرا باید به آن باور داشته باشم؟ چرا باید به آن باور داشته باشم؟ و اولین نکته، خب، شما مجبور نیستید به چیزی باور داشته

باشید. و من چند هفته پیش در یک مراسم اجتماعی بودم و با یک خانم صحبت می‌کردم، و او گفت، واقعاً مهم نیست که به چه چیزی اعتقاد داریم، فقط مهم این است که ایمان داشته باشیم.

خیلی از مردم اینطور فکر می‌کنند، اما درست نیست. و این یکی از مواردی است که اول تیموتائوس به آن می‌پردازد. در نهایت، شماره شش، همانطور که در اول تیموتائوس ۲ آمده است، جایی که پولس می‌گوید، فیض، رحمت و آرامش بر شما باد، فیض خدا، و هر آنچه فیض خدا به ارمغان می‌آورد، منبع نهایی تیموتائوس و اساس اطمینان پولس به نوشتن است.

و البته، این فیضی است که واسطه‌ی مسیح است که امید اوست. و بنابراین، در آن فیض و در امید او، با وجود همه این تهدیدها، همه این دام‌ها و تله‌ها و حواس‌پرته‌ها، پولس در پایان می‌گوید، و من این نتیجه‌گیری را دوست دارم، فیض با همه شما باد، این تنها مرجع جمع دوم شخص در اول تیموتائوس است و من فکر می‌کنم به تیموتائوس می‌گوید، بدن مسیح آنجاست، در دستان شماست و این برکتی برای همه است، برای شما و همه گوسفندان گله.

و بنابراین، من فکر می‌کنم این تأییدی بر اعتماد به خدا، اعتماد به انجیل، اعتماد به تیموتائوس و اعتماد به جماعت برای انجام کار درست تحت هدایت تیموتائوس و خداوندی مسیح است. حال، برای جمع‌بندی اول تیموتائوس و آنچه که تعلیم می‌دهد، و من می‌گویم آموزه‌های مسیحی، و سپس یک باور می‌دارم. آموزه در اینجا به عنوان الهیات با پیامدهای عملی آن درک می‌شود.

و امروزه در برخی نوشته‌ها درباره حکمت یا الهیات خردمندانه می‌شنویم. فکر می‌کنم کوین ون هوسر است که درباره الهیات خردمندانه صحبت می‌کند. و می‌دانم که جان‌اتان پنینگتون و جی. وندروال درآیدن نویسندگانی هستند که اخیراً مطالب زیادی در مورد لزوم درک آموزه‌های مسیحی به شیوه‌هایی که واقعاً بر نحوه زندگی ما تأثیر می‌گذارند، نوشته‌اند تا ما خدا را با تمام زندگی خود و نه فقط تفکرمان جلال دهیم، بلکه در دام این فکر نیفتیم که چون به چیزهای خاصی فکر می‌کنیم، به بهشت می‌رویم.

افراد زیادی هستند که زندگی‌شان شواهد زیادی دال بر پیروی واقعی‌شان از مسیح نشان نمی‌دهد. اما نگران نیستند چون باور دارند، خب، مهم این است که من به چیزی اعتقاد دارم. مثلاً من معتقدم که عیسی از مردگان برخاسته است.

و من به کلیسا می‌روم و می‌گویم که او خداوند است. و بنابراین آنها آن آیات را در رومیان ۱۰ بیرون می‌کشند و می‌گویند، خب، من نجات یافته‌ام زیرا در قلبم به زنده شدن خدا از مردگان ایمان دارم. و من می‌گویم که او خداوند است.

اما عیسی می‌گوید، چرا مرا خداوند می‌خوانید و آنچه می‌گویم انجام نمی‌دهید؟ خداوندگاری مسیح، رفتار ما را متحول می‌کند. و این رستگاری از طریق اعمال نیست. این رستگاری از طریق مسیح است، کسی که چنان ما را مجذوب خود می‌کند که ما را به سوی زندگی‌ای سوق می‌دهد که به طور فعال در پی پارسایی و خداترسی و ایمان و اعمال نیک و تمام چیزهایی است که زندگی در مسیح زندگی ما را با آنها غنی می‌کند.

بنابراین، من تمام چیزهایی که اینجا روی صفحه نمایش داده می‌شود را نمی‌خوانم، چون اگر به این سخنرانی‌ها گوش داده باشید، بسیاری از آنها برایتان تکراری خواهد بود. اما فقط می‌خواهم خلاصه کنم که اولویت‌هایی که در رساله اول تیموتائوس می‌یابیم، اول از همه، تعلیم صحیح یا سالم در فصل ۱ و فصل ۶ است. و همچنین آن را در رساله دوم تیموتائوس و تیطوس خواهیم دید. و این مربوط به چیزی است که من آن را دو قطب رهبری شبانی نامیده‌ام.

تعلیم، راهنمایی، نظارت شبانی، نظارت معنوی. اگر تعلیم ضعیف باشد، گله دچار سوء تغذیه خواهد شد. من همسایه‌ای دارم که گاو دارد، و او گاوهای زیادی دارد و زمین زیادی ندارد.

و بنابراین، گاوها معمولاً شبیه گاوهای هستند که در آن خواب یوسف دیده بودند. آنها گاوهای بسیار لاغری هستند. رژیم غذایی خوبی ندارند.

و اگر جماعت‌ها با تعلیم نیکوی کتاب مقدس پروار نشوند، دنده‌هایشان نمایان خواهد شد. و به همین دلیل است که پولس به تیموتائوس می‌گوید، مراقب خود و تعلیم باش. در این کار مداومت داشته باش، زیرا با انجام این کار، هم خود و هم شنوندگانت را نجات خواهی داد.

بسیاری از اشارات دیگر به تعلیم و آموزش در اول تیموتائوس. نکته دیگری که اینجا خواهم گفت این است که اغلب برای کشیشان فشار وجود دارد که در امور اجتماعی مشارکت کنند. و این چیز خوبی است که در بازدیدها شرکت کنند، و این چیز خوبی است.

و اینکه صرفاً در کنار مردم بودن و سازماندهی و حضور در جلسات مشارکت داشته باشد. اما جماعت‌ها باید زمانی را که یک کشیش برای مطالعه، تفکر و آماده‌سازی آنچه قرار است تدریس کند، نیاز دارد، حفظ کنند. و گاهی اوقات جماعت‌ها یا افراد حاضر در جماعت‌ها این را دوست ندارند، زیرا هر چه بیشتر تدریس کند، جنجال بیشتری به پا می‌کند و بیشتر به مردم فشار می‌آورد تا واقعاً به کتاب مقدس توجه کنند.

و مردم ترجیح می‌دهند فقط کشیشی داشته باشند که به آنها کمک کند احساس خوبی داشته باشند و جلسات خوب و مراسم اجتماعی خوبی داشته باشند. و این آن نوع کشیشی نیست که پولس برای تیموتائوس متصور است. نگرانی دیگر، رعایت ادب و نزاکت در عبادت عمومی است.

مخصوصاً فصل دوم بود. دعا. رفتار و رویکرد مردان و زنان به خدمت.

و سپس کشیشان اطمینان حاصل می‌کنند که زنان به شاگردی تشویق شوند. زنان درست مانند مردان امید به رستگاری دارند زیرا می‌توانند از طریق شاگردی و از طریق زندگی مؤمنانه‌ای که شاگردی خوب به آن منجر می‌شود و قدرت روح القدس، وفادار باشند. این واقعاً فصل فوق‌العاده‌ای است که منجر به پرستش خدا توسط همه قوم خدا و نه فقط توسط مردان می‌شود.

سوم، درستکاری و شایستگی در رهبری کشیش. فصل ۳ به ما انتظارات بالای خداوند و توانایی لازم برای افرادی که نظارت می‌کنند را یادآوری می‌کند. گاهی اوقات افرادی را می‌بینیم که مشتاق خدمت هستند و نمی‌توانند با انجام هیچ کار دیگری به آن دست یابند.

و شاید این هدایت خدا بود و آنها این و آن و موارد دیگر را امتحان کردند و در نهایت متوجه شدند که خدا مرا به این کار فرا می‌خواند. اما گاهی اوقات افرادی هستند که آرزوی خدمتگزاری دارند و این به این دلیل است که این یک شغل یقه سفیدتر است و آنها واقعاً نمی‌خواهند کار کنند. و آنها در موقعیت‌هایی بوده‌اند که می‌گویند، خب، این یک موقعیت راحت است.

لازم نیست عرق بریزید. لازم نیست زحمت بکشید. لازم نیست سر ساعت مشخصی سر کار حاضر شوید.

و کلیشه‌ای که در دنیا وجود دارد این است که خب، وزیر بودن خیلی خوب است. فقط باید هفته‌ای یک روز صبح کار کنی. اما متأسفانه، این کلیشه تا حدودی حقیقت دارد.

در تفسیرم در بخش اخلاق کاری، در مورد این مشکل صحبت می‌کنم که گاهی کشیشان آن را تقویت می‌کنند: تنبلی. و برخی از کشیشان نیز با دانش‌آموزان چندان خوب نیستند. آنها هنگام آموزش، با دانش‌آموزان چندان خوب نبودند و واقعاً به عنوان دانش‌آموز در خدمت رشد نمی‌کنند و این دست‌ورالعملی برای فاجعه است.

زیرا اگر ما در پی خدا نباشیم و در ایمان رشد نکنیم، دچار رکود خواهیم شد. و اگر شروع به رکود کنیم، خود را در معرض رویگردانی از خدا، کم کاری و عدم لذت بردن از کمال نعمت خدا که برای وفادار ماندن به او نیاز داریم، قرار می‌دهیم. چهارم، برتری مسیح در بینش کلیسای رسولی.

وقتی به پایان فصل ۳ می‌رسیم، پولس در مورد کلیسا به عنوان ستون و تکیه‌گاه حقیقت صحبت می‌کند. و این یک دیدگاه والا نسبت به کلیسا است، اما این دیدگاه والا نسبت به کلیسای است که توسط پایه دیگری پشتیبانی می‌شود. کلیسا پایه و اساس خودش نیست.

و همانطور که روی صفحه نمایش می‌گویم، کلیسا نباید سر خود شود. سر کلیسا مسیح است. و آن آیات مربوط به مسیح در انتهای فصل ۳ را باید در نزدیکی تأیید کلیسا به عنوان مکانی مهم در نظر گرفت.

این مهم است زیرا توسط مسیح اشغال شده است. او سر است. و اعضا، نمایندگان بدن او و حرکت او در جهان هستند.

ما در سراسر فصل ۴ اولویت‌هایی را برای کشیشان می‌بینیم. و این نوعی نوسان بین دوری از آموزه‌های نادرست و تعصب در تأیید آموزه‌های درست است. مطالب زیادی وجود دارد که در سخنرانی فصل ۵ در مورد شأن هر عضو کلیسا، مزایا و معایب همه گروه‌های جمعیتی و نحوه برخورد تیموتائوس با مشکلات و به ویژه چالش بیوه‌ها، به آنها پرداختیم. و سپس ستایش، نه تنها در فصل ۶، بلکه در سراسر کتاب، پولس، تیموتائوس را با تصویری از خدا که مشکلات او را نسبی می‌کند و او را در ایمان و وفاداری تجدید می‌کند، متحد می‌کند.

بنابراین، با این سخنان از اول تیموتائوس ۶ به پایان می‌رسانم، شما را موظف می‌کنم که این فرمان را بدون هیچ لکه یا سرزنشی تا زمان ظهور خداوند ما عیسی مسیح، که خدا آن را در زمان خود به وقوع خواهد پیوست، حفظ کنید. خدای متبارک و یگانه حاکم، پادشاه پادشاهان و رب الارباب، که تنها او جاودانه است و در نوری دست نیافتنی زندگی می‌کند، که هیچ کس او را ندیده و نمی‌تواند ببیند، از آن اوست که تا ابد عزت و قدرت باد. به وسیله‌ی عیسی مسیح، پروردگار ما. آمین.

این دکتر رابرت دبلیو. یاربرو در تدریس خود در مورد رساله‌های شبانی، دست‌ورالعمل رسولی برای رهبران شبانی و پیروان آنها، جلسه ۷، اول تیموتائوس ۶ است.